

تجلیل از انسانیت

و

تجلیل از انسان ها

تقدیمی کوتاه بر بیانیه اعلیحضرت درباره اعدام ۵ نفر

امیر فیض حقوقدان

پنجمشنبه ۳ جون ۲۰۱۰

۱۳ خرداد ۲۵۴۹

تجلیل از انسانیت و تجلیل از انسان ها

معلوم است که تجلیل از انسانیت با تجلیل از انسان تفاوت بسیار فاحشی دارد. تجلیل از انسانیت، متوجه اخلاق و خوی انسانی است مانند عدالت پروری، مهربانی، کمک به هموع، و پدیده هایی از این دست ولی تجلیل از انسان ها متوجه عملکرد و اخلاق و رفتار شخصی آنهاست.

از آنجا که در فعالیت های سیاسی، انسان ها بنا بر اعتقادات سیاسی و خواسته هایشان از هم متمایز میگردند لذا، تجلیل از انسان ها در واقع تایید و بیعت با عقیده سیاسی و خواسته های تجلیل شونده است.

در پیام اعلیحضرت بمناسبت اعدام ۵ (پنج) تن دیگر از مبارزان بی گناه مورخ بیستم اردیبهشت ۱۳۸۹ (۲۵۴۹) بجای تجلیل از انسانیت از عقیده سیاسی اعدام شدگان تجلیل گردیده است و از آن بدتر این است که بخواسته و آرزو های اعدام شدگان عنوان راستین یعنی اصالت داده شده و آرزو گردیده که بخواسته آنها جامع عمل پوشانیده شود.

این چنین تجلیل ها سند حقانیت خواسته های اعدام شدگان است و واجد اصلیتی محکم میگردد، چرا که بیانیه ها در رابطه با شخصیت و مقام و مسئولیت افراد است که اعتبار اجرایی و حقوقی پیدا میکند.

آیا حقیقتا و براستی و بدون تردید، خواسته های سیاسی اعدام شدگان که وابسته به گروهی بوده اند که خواسته های سیاسی آنها با حاکمیت و استقلال و تمامیت ارضی ایران منافات داشته براعلیحضرت مسلم و روشن بوده است که از آن خواسته ها بعنوان «آرزو های راستین» یاد شده و تحقق آنرا بوسیله مردم ایران خواهان شده اند؟

مسئله خیر، زیرا چنین امری مستلزم احاطه به موضوع و اسناد و مدارک است که این کار مهم در شرایط کنونی کمتر مقدور است بنابراین اصل احتیاط لازم می‌سازد که در خرج الفاظ هم احتیاط بشود و به چیزی که رسیدگی نشده و علم و اطلاع کافی بدست نیامده و لخرجی در بذل و بخشش‌هایی که از کیسه شرافت و تمامیت ارضی کشور و ملت ایران می‌رود امساک کنیم.

پیام می‌توانست در راه تجلیل از انسانیت، اعدام را محکوم کند نه اینکه براه تعصب پیام در مسیری قرارگیرد که انسانیت تحت الشعاع قرارگیرد.

پیام بنام شاه با پیام یک فرد عادی و یا سازمان و حزب تفاوت بسیار دارد، پیام بنام شاه نیاز به زیربنای قانونی دارد که بر مبنای حکم لزوم اجرای آن واجب گردد. بهمین دلیل است که احکام دادگاه‌ها وقتی قطعی شد بنام شاه صادر و اجرا می‌گردد.

از آنجا که قدرت غاصب ایران امکان برقراری عدالت قضایی را نمی‌دهد، نه تنها اعلیحضرت که هر انسان منطقی به خودش اجازه نمی‌دهد که افرادی را محکوم و یا محکومانی را به صفات انسانی و فارغ از اتهام متصف سازد. لذا، اساساً

دخالت اعلیحضرت در ورود به مسئله تفاوت نسبت به عملکرد انسان بدون محاکمه عادلانه منطقی بنظر نمی‌رسد و احتیاط بیش از حد را لازم می‌سازد. و اینجاست که تجلیل از انسانیت به مسئله و جاهت‌های لازم را خواهد داد.

یک نمونه بیاوریم که گفته‌ها را به باور نزدیک سازد.

در همین فاجعه حمله اسرائیلی‌ها به کشتی‌های غیرنظامی حامل کمک به مردم غزه، با آنکه جنایت عینی است و کشور های ترکیه و دیگران خواستار محکومیت اسرائیل در شورای امنیت شدند ولی آمریکا طرح مسئله را وتو کرد و این ادعا را عنوان کرد که موضوعی که هنوز رسیدگی نشده چگونه ممکن است آنرا شورای امنیت محکوم کند، این استدلال پذیرفته شد و قطعنامه شورای امنیت بدون محکوم کردن اسرائیل رسیدگی به موضوع را در قطعنامه پیاده کرد.

آنچه که شورای امنیت تصمیم گرفت کاملاً زیربنای حقوقی دارد و آن این است که بدون رسیدگی‌های لازم نمی‌توان کسی را محکوم و یا حکم برانیت و تجلیل او را داد. نمونه رایج این امر را می‌توانید در جنایات مشهود نگاه کنیم. با آنکه جنایتکار بهنگام جنایت دستگیر شده و اعتراف هم می‌کند معهذاً بدون محاکمه و محکوم کردن او نه عنوان مجرم به او میدهند و نه او را آزاد می‌سازند.

پیام اعلیحضرت درباره اعدام پنج (۵) نفر، نشنت یافته از اظهارات نادرست و جاهلانه میرحسین موسوی است که گفته: «ما بدون توجه به طرز فکر آدم‌ها و حتا وابستگی جمعیتی و حزبی آنها باید از حقشان دفاع کنیم» میرحسین موسوی

آیا خیانت به کشور. تلاش برای تجریه کشور. حق قابل احترام است که از آن دفاع بشود؟؟

بنظر موسوی آری وی بنظر اعلیحضرت چطور؟؟